



انسان برتر

پی . دی . اسپنسکی

مترجم
مجید آصفی



سرسنبله: اوسپنسکی، پیوتر دمیتروویچ ۱۹۷۴-۱۸۷۸ م.

عنوان و نام پدید آور: چیستی و چگونگی برتر بودن انسان با دیدی نو /

پی دی اسپنسکی: مترجم مجید آصفی.

مشخصات نشر: تهران: فرهنگ نور، ۱۳۸۷.

یادداشت: این کتاب ترجمه انگلیسی بخشی از کتاب با عنوان

**A new model of the universe of the psychological method in
its application to problems of science, religion, and art 3 1997**

شماره افزوده: آصفی، مجید، ۱۳۲۴-مترجم

رده بندی کنگره: ۱۳۸۷ ۸ الف ۸ الف ۱ / ۱۴۱۶ BF

مشخصات ظاهری: ۶۲ ص فروست: طرحی نواز جهان هندی

شابک: ۱-۲-۹۰۳۶۷-۶۰۰-۹۷۸ وضعیت فهرست نویسی: فیبا

موضوع: علوم غربیه موضوع: بعد چهارم (فرا روان شناسی)

رده بندی دیویی: ۱۳۳ شماره کتابشناسی ملی: ۱۳۳۵۴۶۸



انتشارات فرهنگ نور

انسان برتر

• نویسنده: پی دی اسپنسکی • مترجم: مجید آصفی

• ویراستار: سنایی • قیمت: ۱۵۰۰۰ ریال

• صفحه آرای: هنرکده • چاپ و صحافی: کهنمویی زاده

• چاپ اول ۱۳۸۸ • شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

• شابک: ۱-۲-۹۰۳۶۷-۶۰۰-۹۷۸ • ISBN: 978-600-90367-2-1

• نشانی: خیابان انقلاب، روبروی دانشگاه تهران، مجتمع تجاری فروزنده

طبقه زیرین، پلاک ۱۱۵ - تلفکس: ۶۶۹۷۷۹۸۶

کلیه حقوق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است.

« به نام پرورنده عشق و عقل »

پیش درآمدی برای سلام،

سلام گشوده شدن در برابر یک آگاهی است، در برابر یک اندیشه، یک احساس، سلام قرار گرفتن در کیفیت پذیرش است، پذیرای تجربه‌یی که هم اکنون جاری است. سلام کلید گشودن تجربه‌های جاری است. نه این که سلام هم چون یک کلید قفلی را می‌گشاید، نه، بلکه سلام که تجلی قصد و توجه است، سبب می‌شود رویداد و پدیده جاری خودش را به روی ما به‌گشاید.

از این‌رو برای ورود به هر سطحی از آگاهی برای یکی شدن و درک آن زیبا است که با سلام به آن نزدیک بشویم. سلام تلویحاً بدین معنا است که در کدام سطح قرار داریم و به دنبال چه چیزی هستیم. مفاهیم که در حقیقت بیانگر سطوح متفاوتی از آگاهی هستند، هنگامی که موضوع جستجوی ما قرار گرفتند، اگر آگاهانه و با عشق و اشتیاق به آن‌ها سلام کنیم، خودشان را به روی ما می‌گشایند و به رشد آگاهی فردی ما کمک می‌کنند.

رد پای دو مفهوم عمیق و درعین حال ساده و عوام فهم «انسان برتر» و «مدینه فاضله» را می‌توان در غالب ادبیات کهن یافت. بدین معنی که غالب اندیشه‌های تمدن‌های بشری، راه‌هایی انسان از این زندان و قفس تمثیلی که مانند آکواریوم یا ماتریکسی است که در آن جماد و نبات و حیوان و انسان کشت داده شده و رشد می‌یابند را حضور یک انسان برتر و احداث یک مدینه فاضله می‌دانند.

تا هنگامی که انسان برتر فقط می‌توانست یک نفر باشد، یک ناجی که از دید
توده قادر است رویدادها و حوادث را به نفع آن‌ها تغییر دهد، تبدیل به یک
آرمان و استثناء و دست‌نیافتنی شده و بدین شیوه از زندگی روزمره حذف
و روانه کتابخانه‌ها و استودیوهای فیلمبرداری گردیده است. انسان برتر شدن
به معنای برتری یافتن بر دیگران نیست، بلکه از خود برتر شدن است، و
مدینه فاضله زهدان و ماتریکسی است برای انسان‌هایی که به و رای خود
رفتن و از خود برتر شدن را قصد کرده‌اند. و این نسخه تمامی حکما و
پیامبران برای کل بشریت است. فرض کنیم انسان برتری در میان ما ظهور
کرد، آن چه کمکی می‌تواند به ما به‌کند، عملاً هیچ! از آن جا که انرژی
هم‌گون انرژی هم‌گون را جذب می‌کند، برای این که برتری او را تشخیص
دهیم و در شعاع آگاهی برتر او قرارگیریم باید از آن انرژی برتر در ما
موجود باشد تا توسط آن انرژی برتر هم‌گون جذب شود. و این انرژی برتر
یا برتر از خود شدن گشوده‌گی در برابر انسان برتر با قصد و نیت است.
یعنی مرحله نخست عبور و ورود به حوزه انسان‌های برتر یا به زبان ساده‌تر
«مدینه فاضله»، از جهان مجازی عبور می‌کند و ابزار عبور از این سطح
آگاهی که سطح دوگانه‌گی و کثرت است، مشاهده و تفکر است، مراقبه و
داوری است. عبور از کلام با ابزار کلام است. با یکی شدن با کلام، با تبدیل
شدن به اندیشه صرف. این قصد و نیت است که هم مشاهده شده و هم
درک گردیده، و قصد و نیاتی از این دست فرد را از دوگانه‌گی رها و به
لطافت کلام می‌رساند.

یکی از تقسیم‌بندی‌هایی که برای زبان قایل شده‌اند زبان را به سه زبان
متمايز تقسیم می‌کنند. زبان و تفکر فلسفی، زبان و تفکر علمی، زبان و تفکر
کاربردی.

آسپنسکی از گرجیف تعریف و تفاوت آن‌ها را سؤال می‌کند. گرجیف می‌گوید، زبان و تفکر فلسفی که اصولاً زبانی مفهومی است به کلیات پدیده‌های جهان هستی می‌پردازد بدون این که چیزی را اثبات کند. زبان و تفکر تنوری که زبانی مصداقی است و علوم مختلف پی‌آمد آن هستند به قانونمندی‌های حاکم بر روابط پذیره‌ها اشاره می‌کند و با ماهیت و ذات آن‌ها کاری نه‌دارد. اما زبان و تفکر کاربردی که زبان خردمندان نامیده می‌شود، بیانی است از حقایق جهان در رابطه با شخص گوینده. شیوه آموختن این زبان روانشناختی است که با فراروی فرد از نفس یا شخصیت ساخته‌گی که مُردن پیش از مرگ فیزیکی است حاصل می‌گردد.

ویژه‌گی این زبان این است که عاری از پیچیده‌گی فلسفی و علمی است و به زبان ساده چنان می‌گوید که همه می‌فهمند. سخنی که از دل برآید، بر دل نشیند. با آموختن این زبان است که انسان‌ها با نژادهای گوناگون و تمدن‌های متفاوت با یکدیگر ارتباط برقرار کرده و یکدیگر را می‌فهمند- هم‌دلی از هم‌زبانی بهتر است. به نوعی این زبان هم نهاد دو زبان فلسفی و تنوری است که اولی بدنبال توصیف وحدت است و دومی به دنبال توضیح کثرت! یک ظرف است، یکی مظروف، هم آهنگی ظرف و مظروف یقین را به وجود می‌آورد، و زبان کاربردی یا زبان خردمندان که از پیوند علم و فلسفه، ذهن و عین، دانشگاه و حوزه و جز آن به وجود می‌آید، زبانی است مبتنی بر یقین.

آسپنسکی با آموختن فلسفه و علم ریاضیات و روزنامه‌نگاری و چند رشته دیگر دو زبان نخست را به خوبی آموخته بود که به واسطه اشتیاق‌اش برای رفتن به ورای خودش با گرجیف ملاقات کرد و در چند سالی که با او بود در سنین پیری سخنی‌ها کشید تا توانست به این زبان نزدیک شود. ویژه‌گی

اصلی این زبان در این است که خواننده را متحول می‌سازد- چون از دل برمی‌آید لاجرم بر دل خواهد نشست- زبان‌های فلسفی و علمی، دانشی ذهنی هستند که وظیفه اصلی‌شان تولید و دسته‌بندی اطلاعات و استفاده از آن‌ها برای ساختن یا ویران کردن زهدانی است که جمادات و نباتات و حیوانات و انسان‌ها در آن زندگی می‌کنند. دانش عینی که از زبان کاربردی زاده می‌شود، دانشی زنده و زایا و پویا است که هدف‌اش ایجاد دگرگونی و تحول است. از این‌رو این به عهده خواننده است که قضاوت کند آسپنسکی به گفته خودش به کمک گرجیف به این تحول دست یافته یا خیر. همان گونه که کلام فلسفی و علمی حضرت مولانا پس از برخورد با حضرت شمس تبدیل به کلام خردمندان شد که تاکنون هزاران خواننده را متحول ساخته است.

مجید آصفی